

## انگیزه‌های شناخت خدا

شناخت خدا برخاسته از انگیزه‌هایی است که عبارت‌اند:

### ← حقیقت‌طلبی

خداوند انسان را چنان آفریده است که او همواره در پی راه یافتن به حقیقت است و جز از این گذر ارضاء نمی‌شود و بخشی از پیشرفت دانش انسانی وامدار این انگیزه است.

حقیقت‌طلبی را «غریزه کنجکاوی» نیز می‌گویند که انسان را به شناخت آفریدگار جهان وامی‌دارد. قرآن نیز بر وجود این انگیزه در انسان اشارت برده و از آن برای هدایت او بهره می‌برد.

### ← حبّ ذات

انسان در نیل به کمال و فضیلت، از حبّ ذات نیرو می‌گیرد.

در دیدگاه فلسفه و علم النفس، یکی از آثار حبّ ذات این است انسان در پی حفظ انسانیت خویش است و می‌خواهد با حیوانات تفاوت یابد و این را «کرامت‌خواهی» نامیده‌اند. کرامت و منزلت انسانی آن‌گاه محفوظ می‌ماند که انسان بر پایه خردمندی و رفتار عقلانی زیست کند. این گرایش، انسان را وامی‌دارد تا از خدا و هستی درکی درست به دست آورد و در پی آن رفتاری شایسته از خویش نشان دهد. قرآن کریم از همین رو است که برخی انسان‌ها را از حیوان پست‌تر می‌شمارد. این گروه، آنان‌اند که از قوای ادراکی خویش بهره نمی‌گیرند. قرآن از این گذر می‌خواهد انسان را وادارد تا اندیشه خویش را به کار ببرد و به شناخت خدا و ایمان دست یابد.

### ← شکر مُنعم

انسان ذاتاً مایل است هر کس را که بدو احسان می‌کند، سپاس بگزارد و نعمت را شکر کند. این انگیزه از انگیزه‌های توانمندی است که انسان را مجبور می‌سازد تا ولی نعمت خویش را بازشناسد. متکلمان مسلمان نیز از دیرباز «شکر منعم» را از انگیزه‌های اصلی شناخت خدا دانسته‌اند .. آیاتی از قرآن که نعمت‌های الهی را برمی‌شمارند، در حقیقت می‌خواهند این خواسته درونی انسان را بیدار سازند . از امام صادق (ع) نقل کرده‌اند: «چه زشت است که از عمر انسان هفتاد یا هشتاد سال بگذرد و در ملک الهی زندگی کند و از نعمت‌هایش بهره ببرد؛ ولی خدا را، آن‌سان که می‌شاید، نشناسد. برترین فریضه انسان این است که خدا را بشناسد و به بندگی‌اش اقرار کند.»

## ← کمال طلبی

میلی در انسان نهفته است که همواره او را به سوی تعالی و کمال می‌کشاند و این موجب شده است که او پیوسته بکوشد تا خویش را به خدا نزدیک کند؛ زیرا خداوند، کمال و متعال مطلق است.

## ← جلب منفعت و دفع ضرر

از طبیعی‌ترین نیروهای درونی انسان این است که او همواره در پی جلب منفعت و دفع ضرر است. بیش‌تر مردم در رفتار و کردار خویش تحت تأثیر این نیروی و همین‌که در شناختن خداوند برای آنان احتمال زیان به میان آید، کافی است تا آنان را به سوی شناخت خدا سوق دهد.

انسان از این گذر می‌خواهد پروردگار و صاحب اختیار جهان را بازشناسد و از او فرمان برد و زیان را از خود برهاند و به منفعت دست یابد. قرآن کریم نیز -چون انگیزه جلب منفعت و دفع ضرر در بیش‌تر انسان‌ها توانمند است- از آن در مسیر تربیت آنان سود برده است و به ویژه در عرصه تربیت اجتماعی از انگیزه دفع ضرر بهره گرفته است .

## ← آرامش طلبی

انسان برای آرام یافتن و رسیدن به احساس امنیت در برابر خطرهای زندگی دنیایی، به سختی خویش را محتاج آن می‌بیند که تکیه‌گاهی استوار بیابد و به او پناه برد.

## جایگاه شناخت خدا

از آن رو که خداوند مبدأ هستی و کمالات است، شناخت او ارزشمندترین گونه شناخت است. شناخت خدا، بستر استواری برای دیگر شناخت‌ها نیز فراهم می‌کند و درکی درست از هستی و روابط میان پدیده‌های جهان به انسان می‌بخشد. از روایات نیز برمی‌آید که گران‌بهاترین شناخت آن است که آدمی خدا را بشناسد. شناخت خداوند، کامل‌ترین و روشن‌ترین مصداق دانش است و آیات و روایات فراوانی از فضیلت آن یاد کرده‌اند.

نخستین گام در دین، شناخت خداوند است . شناخت خداوند، هدف آفرینش هستی است [۲۴] [۲۵]. پیش رفتن در مراتب و منازل قرب الهی، در گرو شناخت خداوند است و هر قدر این شناخت افزون شود، تقریبی بیش‌تر حاصل می‌آید .

شناخت خداوند، مایه ایمان و فضیلت‌های انسانی است. ایمان جز از رهگذر شناخت حاصل نمی‌آید.

شناخت خدا، لذت معنوی می‌آفریند؛ چنان که در روایت است که امام صادق (ع) فرمود: «اگر مردم می‌دانستند که در شناخت خدای عزوجل چه لذتی نهفته است، هرگز به متاع دنیوی و آن نعمت‌ها چشم نمی‌دوختند که خداوند دشمنان خویش را از آنها نصیب داده است و قدر دنیا در پیش چشمشان، از آن چه پا بر آن می‌نهند، کم‌تر می‌نمود و از شناخت خدا لذت می‌بردند؛ همانند لذت کسی که در باغ‌های بهشتی همراه اولیای الهی است.»

### امکان و حدود شناخت خدا

انسان از نیروهای عقلی و فطری و ابزارهای درونی شناخت خداوند بهره‌مند است و از آن سو نیز پیامبران الهی او را در این راه مدد می‌رسانند و بدین کار وامی‌دارند.

این بهترین دلیل برای امکان شناخت خدا است. با این همه، وجود خدای متعال را حدّ و مرزی نیست و بدین روی، دست ادراکات بشری از احاطه به او کوتاه است.

انسان را توان آن نیست که به کنه ذات و صفات خداوند راه یابد و برخی روایات بزرگان معصوم (ع) نیز بدین حقیقت اشارت برده‌اند؛ همانند روایتی که پیامبر اسلام (ص) می‌فرماید: «خداوند! آن‌سان که می‌شاید، تو را نشناختم و به عبادت تو نپرداختم.» نیز از امام سجاد (ع) نقل است: «خردهای آدمیان از راه یافتن به کنه جمال تو ناتوان‌اند.» [۳۵] اما چنین هم نیست که خداوند راه شناخت خویش را بر انسان بسته باشد؛ چنان که در روایتی از امام علی (ع) آمده است که خداوند متعال، عقل آدمی را بر نهایت اوصاف خویش آگاه نساخته است؛ اما او را چنان نیز از آن محروم نساخته است که راه به خوشبختی نبرد.

### تشبیه و تعطیل

برخی فرقه‌های مسلمانان برای شناخت خدا، ظواهر آیات قرآن کریم را برگرفته و او را به موجودات مادی تشبیه کرده‌اند و برای خداوند متعال، صفات جسمانی پنداشته‌اند. اینان را «مشبّهه» یا «مجسمه» نام نهاده‌اند. در برابر این گروه، برخی دیگر برای اینکه به وادی تشبیه و تجسیم نغلطند، به کلی امکان شناخت خداوند را رد کرده‌اند و بر آن رفته‌اند که عقل آدمی را توان دست‌یابی به هیچ‌گونه شناختی از ذات و صفات خداوند نیست و بدین سان عقل را در شناخت خدا تعطیل کرده‌اند. بنابراین دیدگاه، درباره خداوند، تنها باید سر تسلیم و تعبد فرود آورد و به تحقیق و تفکر پشت کرد و حتی پرسیدن در این عرصه، گناه و بدعت و حرام است. اشاعره و حنابله -که خود را «اهل حدیث» می‌خوانند- هواخواه این نظریه‌اند.

نظریّه شیعه، هیچ یک از این دو نظریّه را برنمی‌تابد؛ نه از گذر تشبیه به شناخت خداوند رو می‌کند و نه دست عقل آدمی را به کلی از آن کوتاه می‌داند. عقل انسان می‌تواند به مسائل کلی شناخت خداوند راه یابد و به ویژه در اثبات وجود خداوند، تنها راه را عقل و روش عقلانی می‌شمارد. در نظر عارفان، هر چند شناخت خدا دست‌یافتنی است، تنها راه مطمئن، راه تصفیه باطن و سیر و سلوک قلبی است. عارفان، عقل و برهان عقلی را ناکارآمد نمی‌دانند؛ بلکه راه دل را از آن کارآمدتر می‌دانند و بر آن ترجیح می‌دهند.

بنابر این نظریّه، دستاورد کوشش‌های عقلانی، از حدّ مفاهیم پافراتر نمی‌نهد؛ اما معرفت افاضی - که عرفان با خود می‌آورد - بسی پیش‌تر می‌رود و به «وصول» می‌انجامد. معرفت استدلالی عقل را ارضاء می‌کند؛ اما معرفت افاضی، همه وجود آدمی را برمی‌انگیزد و شور می‌آفریند و تقرب می‌آورد. البته ترجیح راه دل بر راه عقل و برهان بیهوده است؛ زیرا هر یک از این دو مکمل دیگری است.

#### تنزیه ذات و صفات خداوند

ذات و صفات خداوند از هر گونه نقص و عیبی مبرا است. مفاهیمی که ما برای شناخت خدا به کار می‌بریم محدودند و با نقص و حاجت همراه‌اند. از این گذر باید در به کار بردن این مفاهیم، ذات و صفات خدا را از آنچه شایسته او نیست پاک دانست. در بین صفات خدا «صفات سلبيه» و در بین اذکار نیز ذکر «تسبیح» نمایانگر تنزیه خدا از نقائص‌اند.

#### مراتب شناخت خدا

شناخت خدا مراتب متعدّدی دارد از پایین‌ترین مراتب که شناختی سطحی است تا والاترین مراتب که خداوند به چشم دل دیده می‌شود؛ چنان که امام علی (ع) فرموده است: «خدایی را که به چشم دل نبینم، نمی‌پرستم.»

شناخت خدا در یک تقسیم کلی دارای دو مرتبه است:

#### عقلی و استدلالی

شناخت عقلی، به گونه کلی است و از گذر مفاهیم ذهنی فراچنگ می‌آید و از استدلال‌های ابتدایی تا براهین سنگین فلسفی را می‌پوشاند.

## قلبی و شهودی

شناخت قلبی، حضوری و بی‌وساطت مفاهیم است. این گونه شناخت در عرصه تعلیم و تعلم نمی‌گنجد؛ زیرا تعلیم و تعلم تنها از رهگذر الفاظ و مفاهیم تحقق می‌پذیرد.

با این حال، هر دو گونه شناخت، در نهاد بشر ریشه دارند و با مجاهدات علمی و عملی می‌بالند و تعالی می‌یابند. در خداشناسی عقلی فطری، انسان با عقل فطری بی‌آن‌که به تلاش و اکتساب نیازمند شود، به وجود خدا پی می‌برد؛ اما در خداشناسی قلبی فطری، انسان، توجه خویش را از دنیا می‌برد و دلبستگی‌اش را می‌گسلد و گاه در حال اضطرار چنین می‌شود و تعلقات خویش را رها می‌کند و در جان خود، خدا را می‌یابد. بدین سان، توجه به غیر خدا و دل بستن به زینت‌های دنیوی، مایه غفلت و قطع رابطه با خدا است. این گونه شناخت کما بیش در همه انسان‌ها نهفته است و از گذر ذکر و فرمانبرداری خدا یا پیشامدهایی ویژه، ژرفا می‌گیرد و گسترش پیدا می‌کند. مراد از «رویت قلبی» که برخی روایات بر آن اشارت برده‌اند، همین معرفت شهودی است. در برخی روایات نیز از شناخت خدا به وساطت خود او -نه آفریدگان- سخن رفته است که مراد همین معرفت است و هم‌چنین، «معرفت نفس»، که در روایات بزرگان معصوم (ع) نزدیک‌ترین راه به شناخت خدا شمرده شده است، بر این پایه استوار است.

پای‌فشاری قرآن کریم بر ضرورت شناخت خدای متعال، تنها برای نیل انسان به معرفت مفهومی و کلی از اسماء و صفات خداوند نیست. هدف قرآن این است که انسان از درون با خدا آشنا گردد و به معرفت حضوری و شهودی راه یابد.

برخی دانشمندان شیعه، مراتب شناخت خدا را به مراتب شناخت آتش تشبیه کرده‌اند. پایین‌ترین مرتبه شناخت آتش آن است که آدمی از وجود و اوصاف آتش آگاه شود و این همانند شناخت کسی است که بی دلیل و از روی تقلید، وجود خدا را تصدیق می‌کند. مرتبه بالاتر این است که آدمی دود آتش را ببیند و از این طریق بر وجود آتش دلیل آورد. این همانند شناخت کسی است که از گذر براهین و استدلال‌های عقلی به وجود خداوند پی می‌برد. مرتبه بالاتر آن است که کسی کنار آتش رود و گرمایش را حس کند و با نور آن، دیگر موجودات را ببیند و این همانند مرتبه کسی است که به خدا ایمان دارد و قلب او به وجود خدا اطمینان یافته و یقین کرده است که خدا، نور آسمان‌ها و زمین است. برتر از این، مرتبه کسی است که در آتش می‌سوزد و با همه هستی خویش، وجود آن را لمس می‌کند و این همانند مرتبه اهل شهود است که در خدای متعال فانی گشته‌اند و از خود -جدا از خدا- هیچ ندارند.

شناخت خدا -به ویژه در مراتب بالا- تأثیر چشمگیری در خلق و خوی و رفتار انسان دارد و حالاتی همانند خوف، خشیت، محبت و شوق می‌آفریند